

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۲۷ فیور ۲۰۰۸ شهر اسن آلمان

خطاب به آنانی که برخلاف برنامه وزین (برگشت به قرآن) که وسیله جناب محترم آقای وثیق اجراء میشود، تخریباتی را به راه انداخته اند

شعبده بازی

ترسی ز خدا کن
ترسی ز خدا کن
ارزنده نباشد
ترسی ز خدا کن
گه (پیر و کبیری)
ترسی ز خدا کن
زندیق فسیقی
ترسی ز خدا کن
با مهر اکاذیب
ترسی ز خدا کن

ای (ظالم بدجنس) ، کمی شرم و حیا کن
از جور و جفا صرف نظر ، مهر و وفا کن
بر قامت موزون تو ، زیبنده نباشد
دور از تن خود ، جامه چرکین دغا کن
گاهی بنشانی به برت ، (طفل صغیری)
یعنی که پُر و خالی ، (کچکول گدا) کن
بیهوده چرا ؟ در پی تکفیر (وثیقی)
شرم است ، خجالت کش و ، زین کار ابا کن
باریب و ریا ، بس (سندی جعلی) ترتیب
آن (کاغذ امضا شده) ، در بیت خلا کن

این (**تَهْمَتِ دُمدار**) ، چرا بستی به ایشان
بس ، نوکری ، بسته سر بی سر و پا کن
در راه شریعت منما ، دغدغه بازی
این کار عزازیل بود ، زودرها کن
لج کردنت از راه ولج ، ترکِ خلج شد
(**گیر و کلچی**) گیر و برو سیر هوا کن
چون زاغ و زغن ، بلبل خوشخوان میازار
این مرغ بهشتیست ، برو ترک جفا کن
از لحن ملیحش ، بدمد روح جدیدی
با گوش روان بشنو و ، هر درد دوا کن
تفسیر و معانی وی از ، آیه قرآن
ثابت کند از شرک تو و ، اهل ، ختا کن
تاکی بشتابی پی ، آزار جنابش
انصاف کن و ، بیمی هم از ، روز جزا کن
با (**تاجر و بقال سیاسی**) مشو همکار
از (**طالب و ، از طالبه ها**) ، راه جدا کن
آنها همه در فکر زر و زیور و مانند
جادوگر و رمال ! چرا ؟ جمع طلا کن

بر صفحه تزویر تو ، تصویر عزیزان
 برعکس، نمایان

اول برو و ، شیشه زنگیده جلا کن
 ترسی ز خدا کن

بعدا شنو از « نعمتِ » آواره ، پیامی
 اینگونه کلامی

ای (ظالم. بدجنس) ، کمی شرم و حیا کن
 ترسی ز خدا کن

حالا سخنم سوی (نبیلی) که (غمینست)
 (مسکین) حسینست

تجدیدِ نظر کرده و هم ، دینی ادا کن
 ترسی ز خدا کن

برنامه آزاده (برگشت به قرآن)
 روشنگر وجدان

افسوس فدای هوس اهل شقا کن
 ترسی ز خدا کن

لطفی کن و آقای (وثیق) ، آر ، دوباره
 فخری بتو داره

کز این عملت ، در دل ما مسکن و جا کن
 ترسی ز خدا کن

گر خواهش « نعمت » ز جفا می نپذیری
 قاصر و قصیری

تاریخ ، شهادت دهدت ، اینکه چه ها کن
 ترسی ز خدا کن